

سیمای فرهنگی روستا

کفشگیری

با نگاهی به نقش و جایگاه خانه جوان فرید
در انجام فعالیت های فرهنگی در روستای کفشگیری



امید کابلی*

روستای تاریخی کفشگیری شهرستان گرگان از دیرباز آغازگر و پیش رو در فعالیت های فرهنگی - اجتماعی در غرب گرگان (استرآباد سابق) بوده است. این روستا عموماً به واسطه ی پیشینه و بافت تاریخی، پیشگامی در نشر علم، تعداد زیاد تحصیل کردگان و نقش مؤثری که در سوادآموزی روستاهای منطقه ی سدن رستاق داشته، شناخته می شود.

کفشگیری در ۱۳ کیلومتری جنوب غربی شهر گرگان (مرکز استان گلستان)، واقع شده و از روستاهای بخش مرکزی شهرستان گرگان و دهستان روشن آباد محسوب می شود. این روستا در ۲ کیلومتری جنوب جاده ی آسفالتی قدیم گرگان کردکوی واقع شده، از شرق به روستای اسپومحله، از غرب به روستای سرکلاته و از جنوب به تپه ی گرانکوه متصل می باشد. گفته می شود مکان سکونت گاه اولیه ی اهالی این روستا در سمت جنوب غربی مکان استقرار کنونی بوده، اما به علت شیوع بیماری طاعون که افراد زیادی را هلاک کرد، به این مکان انتقال یافته است. قدمت سکونت گاه کنونی به حدود ۴ سده ی پیش می رسد. این روستا با جمعیتی بالغ بر ۲۱۰۰ نفر در قالب ۷۰۰ خانوار، یکی از قدیمی ترین روستاهای مسکون و آباد شهرستان گرگان است. شغل اغلب مردم روستا، کشاورزی و دامپروری بوده و منطقه ی کوهستانی یانسر(واقع در منطقه ی هزارجریب) و دهکده ی کوهستانی جهاننما (مشرف بر دشت گرگان) در البرز مرکزی، از دیرباز مناطق بیلاقی اهالی کفشگیری بوده و هست.

نام این روستا بین اهالی منطقه به صورت «کوشیری» [kows̄iri] تلفظ می شود و در وجه تسمیه ی آن، بنا به روایتی گفته اند، این نام از فرم و شمایل تپه ی «گران کوه» که در سمت جنوبی روستا واقع شده، الهام گرفته شده است. بنا بر این روایت بومی، از آن جا که شکل این تپه به مانند «شیر خفته» است، این روستا به نام «کوه شیری» نام گذاری کرده اند که بعدها در لفظ عامه ی مردم مشهور به «کوشیری» و به مرور در برگردان به فارسی معیار، به «کفشگیری» تبدیل شده است. اما در کتاب «سنگ مزارها و کتیبه های تاریخی گرگان

*کارشناس ارشد
مدیر خانه جوان
فرید کفشگیری

و استرآباد» چنین آمده: «کفشگرها قوم بزرگی بوده‌اند که در زمان تیموریان (حدود ۷۰۰ سال پیش) به این منطقه آمده‌اند» و سپس آورده: «چند سنگ مزار متعلق به طایفه کفشگر در گورستان روشن آباد، دهنه محمدآباد کتول، کفشگیری و مخصوصاً شמושک وجود دارد که به علاوه با استناد به اسناد تاریخی، وقفنامه‌ها و اسناد تملک اراضی منطقه می‌توان بر این امر صحه نهاد که روستای کفشگیری فعلی نام اصلی اش کفشگر (کفشگری) و تیول همین طایفه یاد شده بود».

طوایف روستا

بنا به اقوال شفاهی سالخوردگان و معمرین روستا، نخستین طوایف ساکن در کفشگیری طایفه‌های پلنگی، قول، و کیلی، قربانی‌نژاد و طالباً از بوده‌اند، اما تقریباً از دوسده ی گذشته تاکنون بزرگ‌ترین و مشهورترین طوایف روستا، طایفه‌های رایجی، شهریاری و کابلی بوده و هستند؛ دو طایفه‌ی نخست، از روستای یانسر هزارجریب و طایفه‌ی کابلی از «پهن دشت خراسان» به این منطقه آمده‌اند. باتوجه به کثرت طوایف رایجی و شهریاری و هم‌چنین پیشینه‌ی زیاد سکونت آن‌ها در روستای کفشگیری، در فرهنگ شفاهی مردم روستا، خاستگاه و شالوده‌ی اصلی ساکنان کفشگیری را از مناطق کوهستانی هزارجریب - علی‌الخصوص یانه‌سر - می‌دانند. در بیش از یکصد سال پیش تا قبل از انقلاب اسلامی مهاجرت‌هایی به روستای کفشگیری صورت گرفته است، چنان‌که طوایفی از کاشمر، دامغان، شاهکوه، حاجی‌آباد، سبزوار، کردکوی و گرگان به مجموعه طوایف روستا اضافه شده‌اند. طوایف هرندی و اصفهانی در پی قحطی‌های دوره قاجار، از اصفهان به این روستا مهاجرت کرده و طایفه‌ی خطیری نیز که از مالکان و زمین‌داران عمده‌ی روستا هستند، از خطیرکوه مازندران به این روستا آمده‌اند. طوایف کریمی، مؤمنی، یاوریان، عطارد، زال‌آقایی، دهقان، رویانی، فامیلی، مهاجر، تیرگر، آزادراد، واحدالعین، بیکی، شاکری، رامشینی، اخوان و... نیز از دیگر طوایف ساکن کفشگیری هستند.

سکونت و استقرار برخی حاکمان محلی زمان قاجاریه در این روستا، موجب آبادانی بیشتر روستا نسبت به روستاهای هم‌جوار و همتای خود بوده است؛ محمدباقرخان هزارجریبی از فئودال‌ها و زمین‌داران بزرگ و بانفوذ ناحیه‌ی سدن رستاق که چندین بار به نیابت حکومت و یک نوبت هم به حکومت استرآباد منصوب شد، در این روستا ساکن بوده است. در کتاب مخابرات استرآباد به سال ۱۳۳۷ق آمده «محمدعلی‌شاه در برگشت از روس وارد گمش‌تپه شد و از قرار مذکور محمدباقرخان سالاراکرم (سردار رفیع) را احضار کرده‌اند که حکومت استرآباد را به او بدهند». یکی دیگر از خوانین و حاکمان منطقه که در کفشگیری سکونت داشت «حیدرقلی خان کیایی»^۱ ملقب به «مسعودالسلطان» است، که مدتی کلانتر منطقه‌ی کردمحل و بلوک سدن رستاق بود. او خواهر «سردار رفیع» را به همسری داشت. در حکم محمدعلی‌شاه قاجار به حیدرقلی خان آمده است: «چون حیدرقلی خان سرتیپ سواره

۱ - وفات در ۱۳۳۷ق به مرض
بیل در کفشگیری

هزارجریب و داروغه ایل جعفریای سال‌هاست در استرآباد مشغول خدمت و جانفشانی است بموجب این دستخط مبارک مشارالیه به مسعودالسلطان ملقب و قرین امتناش نمودیم». بسیاری از سیاحان و سفرنامه‌نویسان دوره قاجار به روستای کفشگیری اشاره کرده‌اند، از جمله ملگونف سیاح روسی در گزارش خود که مربوط به اوایل دوره قاجار است، آورده: «روستای کفشگیری به فاصله دو فرسنگ در کنار جاده کرم‌حله [کردکوی] به استرآباد قرار گرفته است و به مالک هزارجریب تعلق دارد. یک مسجد، یک تکیه، سه دکان و ۲۵۰ خانه در روستا وجود دارد...».

این پیشینه موجب شد کفشگیری در دوره ی پهلوی نیز به عنوان مرکزیت روستاهای بلوک سدن رستاق (روستاهای حذفاصل گرگان و کردکوی) شناخته شود. تمرکز امکانات اداری و خدماتی در ناحیه ی «خطیرآباد کفشگیری» خود مؤید این مطلب می‌باشد.

«خطیرآباد کفشگیری» در ۲ کیلومتری شمال روستا و مجاور جاده ی قدیم گرگان - کردکوی قرار دارد. این منطقه اساساً متعلق به کفشگیری بوده و نام آن نیز از طایفه ی خطیری که از عمده مالکان کفشگری بوده‌اند، گرفته شده است. در کتاب فرهنگ جغرافیایی ایران ج ۳ منشره در سال ۱۳۳۰ در این خصوص آمده: «خطیرآباد دهی است از دهستان سدن رستاق بخش مرکزی شهرستان گرگان، واقع در ۱۴ هزار گزی باختر گرگان سر سه راه گرگان و بندر شاه و کردکوی که دارای صدو پنجاه تن سکنه است. این محل اصولاً جزء آبادی کفشگیری است و در سال‌های اخیر بناهای روستایی که در کنار راه احداث کرده‌اند، آن را به خطیرآباد معروف کرده است.»

این منطقه به علت موقعیت جغرافیایی و واقع شدن در مسیر جاده ی شاه عباسی، در دوره ی پهلوی به نوعی نقطه ی تمرکز امکانات اداری و خدماتی روستاهای منطقه بوده است. وجود مراکز چون پاسگاه ژاندارمری، دبستان دولتی، درمانگاه، انبارکالا، قهوه‌خانه بین راهی، کارخانه پیله‌خانه برای فرآوری ابریشم و امکاناتی چون صندوق پست و ... از اوایل دوره ی پهلوی اول، موجب شده کفشگیری محل آرایه ی خدمات به روستاهای بلوک سدن رستاق محسوب شود و همین امر نیز موجب شده که به رغم احداث جاده ی جدید گرگان - کردکوی، این روستا هم چنان نقطه ی ثقل آرایه خدمات در منطقه باشد.

علاوه بر مراکز و امکانات یاد شده، بخشداری بخش ۲ نیز (در دوره ی پهلوی) در روستای کفشگیری مستقر بوده است؛ ناحیه ی گرگان کردکوی در دوره ی پهلوی به دو بخش تقسیم شده بود، بخش یک در شهرستان کردکوی و بخش ۲ در روستای کفشگیری که روستاهای غرب گرگان از انجیراب تا ایلوار (واقع در شرق کردکوی) را شامل می‌شد. هم چنین در کل دوران پهلوی یازده کدخدا در روستا فعالیت کرده‌اند که نخستین آن‌ها «ملک سلطان» و آخرین کدخدا نیز «غلامرضا هرنندی» بود که توسط بزرگ مالکان و زمین داران انتخاب می‌شدند.

آثار و بناهای تاریخی

کفشگیری یکی از ارزشمندترین بافت‌های تاریخی روستای استان گلستان را داراست و هم‌چنین تنوع آثار باستانی و ابنیه‌ی تاریخی در این روستا کم‌نظیر است؛ «تپه‌ی باستانی کفشگیری» با قدمت چهارهزار سال، نخستین بار توسط دموگران فرانسوی در سال ۱۲۶۹ خورشیدی مورد شناسایی قرار گرفت، بر اساس مواد فرهنگی به دست آمده از این تپه، قدمت آن مربوط به دوران پیش از تاریخ است، این اثر در تاریخ ۱۰ بهمن ۱۳۸۳ با شماره ثبت ۱۱۲۸۴ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است. یک رویداد مهم در ارتباط با این تپه، استقرار هیأت آمریکایی و ایجاد رصدخانه‌ی موقت بر روی این تپه به منظور رصد کسوف تیرماه سال ۱۳۳۳ بوده است. در گزارش روزنامه اطلاعات شماره ۸۴۱۵ شنبه ۱۳۳۳ چنین آمده است: «در مسیر کسوف جمعاً شانزده رصدخانه موقتی ایجاد گردیده که چهار رصدخانه مهم‌تر بوده و به رصدخانه‌ی اصلی موسوم گردیده‌اند؛ دو رصدخانه‌ی اصلی در کانادا، یکی در جزیره گروئلند و دیگری در گرگان می‌باشد. ... چون تپه کفشگیری اولین نقطه در ایران می‌باشد که مشخصات جغرافیایی آن به طور دقیق معلوم شده، آن‌جا لوله‌ای برای همیشه نصب خواهد شد که بر روی آن مشخصات جغرافیایی تپه مزبور حک گردیده و ضمناً نوشته شده است «کسوف روز نهم تیرماه برابر سی ژوئن ۱۹۵۴ رصدخانه شماره ۱۵»... الخ». از دیگر آثار باستانی روستا، «اسپیدار تپه» می‌باشد، این تپه در فاصله‌ی ۲ کیلومتری شمال شرق روستای کفشگیری و در فاصله‌ی ۳۵۰ متری ضلع جنوبی جاده‌ی قدیم گرگان - کردکوی قرار دارد. این اثر در تاریخ ۱۰ بهمن ۱۳۸۳ با شماره ثبت ۱۱۲۷۳ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.

عمارت سردار رفیع: خانه‌ی محمدباقرخان سردار رفیع - حاکم وقت استرآباد در دوره‌ی قاجار - در کفشگیری محل برگزاری نشست‌ها و جلسات رجال متفرد استرآباد و محل تجمع کارگزاران شهر، ملاکان و رجال سیاسی و نظامی بود. علاوه بر این، سردار رفیع خانه‌ای نیز در شهر استرآباد در محله‌ی «سبزه مشهد» داشت. بنای سردار رفیع در کفشگیری دو بخش مجزای اندرونی و بیرونی دارد. اندرونی به کوه راه نداشت. ساختمان بیرونی دارای زندانی بود که هنوز آثار آن وجود دارد. بنابر اقوال شفاهی از دیوارهای قطور این ساختمان برای نگهداری اسلحه استفاده می‌شد. بنا در زمینی به وسعت ۳۰۰۰ مترمربع ساخته شده، درب ورودی آن چوبی و کف فرش حیاط از قلوه سنگ می‌باشد. بنای تاریخی «اندرونی» که از بقایای عمارت وسیع سردار رفیع است، مربوط به دوران قاجاریه می‌باشد. این بنا دارای سیستم انتقال آب و هم‌چنین اصطبل مخصوص بوده است. این خانه‌ی تاریخی پس از سردار رفیع به پسرش لطفعلی خان سالار رسید. وی آن را به داماد خود، یاورخان بخشید و یاورخان هم به برادرزاده‌ی همسر خود، نواب خان سپرد و سرانجام حسینعلی رویانی به حسینعلی فاضل‌نیا فروخت. این خانه چندی است در فهرست بناهای تاریخی کشور ثبت

شده و در سال ۱۳۸۵ خورشیدی مورد مرمت قرار گرفته است. آب انبار کفشگیری: آب انبار یا کهریز از دیگر بناهای متفاوت کفشگیری است که قدمت آن به دوره ی قاجار باز می‌گردد. این بنا، براساس الگوی معماری کویری ساخته شده و جزو معدود آب انبارهای استان گلستان است که تقریباً سالم برجای مانده است. این اثر در تاریخ ۲۸ اسفند ۱۳۸۵ با شماره ثبت ۱۸۶۷۹ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است. دبستان خاقانی: بدون شک چراغِ فروزانِ علم در منطقه ی سدن رستاق و تأثیرگذارترین بنا در حوزه ی تعلیم و تعلم منطقه بوده است. این مدرسه، اولین دبستان روستایی، در غرب استان گلستان، با معماری منحصر به فرد و متمایز است. گفته می‌شود این دبستان به همت علی محمد خطیری که انسانی علم دوست بود و به سبب رفاقتی که با رییس اداره فرهنگ وقت داشت، در کفشگیری راه اندازی شده است. شروع کار دبستان از سال ۱۳۰۷ در روستای کفشگیری بوده ولی بنای جدید دبستان در سال ۱۳۱۳ به سبک معماری نوین ساخته شده و در سال ۱۳۲۰ مورد بهره برداری قرار گرفته است. از نظر موقعیت مکانی، ساختمان جدید دبستان در یک کیلومتری شمال روستای کفشگیری، در محدوده ی خطیرآباد و در مجاورت جاده ی شاه عباسی قرار دارد. طرح این بنا که به شکل «تپانچه» است توسط مهندسین آلمانی تهیه شده است. تاریخ بهره برداری از ساختمان جدید مدرسه به سال ۱۳۲۰ باز می‌گردد. حمام کفشگیری: یکی دیگر از بناهای جالب توجه کفشگیری، حمام قدیمی روستاست. گفته می‌شود شروع ساخت این حمام از سال ۱۳۳۲ بوده که پس از ده سال، آماده ی بهره برداری شده است. البته پیش از این حمام و هم زمان با آن، ۳ گرمابه ی دیگر نیز در روستا وجود داشته که اکنون بقایای آن‌ها موجود است. این سه حمام دیگر عبارتند از: ۱- گرمابه ی سردار رفیع ۲- گرمابه ی پایین محله ۳- گرمابه ای که به طور مشترک بین روستاهای کفشگیری و اسپو محله مورد استفاده قرار می‌گرفت.

خانه های تاریخی کفشگیری: از دیگر آثار تاریخی روستای کفشگیری می‌توان به بناهای تاریخی «خانه رستم برهانی نژاد»، «خانه حسینعلی کابلی»، «خانه عبدا... رایجی» و «خانه قربان مؤمنی» اشاره کرد که در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده‌اند.

سنگ فرش قدیمی معابر: بسیاری از کوچه‌های کفشگیری در دوره ی قاجار سنگ‌فرش شده و هم اکنون بقایای آن باقی مانده است. در بسیاری از روستاهای منطقه ی شمال کشور به علت بارندگی زیاد، اکثر اوقات کوچه‌ها و خیابان‌ها گل‌آلود بود و بسیاری از ساکنان این محلات برای رفت آمد مجبور بودند از اسب و الاغ و یا به کمک اسباب چوبی که در گویش محلی «چولنگ» خوانده می‌شد، استفاده کنند. لذا سنگ فرش کوچه‌های کفشگیری در آن مقطع تاریخی حایز اهمیت بود.

پیشینه ی فعالیت های علمی و فرهنگی

قبل از آغاز آموزش به صورت آکادمیک و رسمی، تعلیم و تربیت در بیشتر روستاهای گرگان

و البته در سراسر ایران، به صورت مکتبخانه‌ای، همراه با آموزش قرآن، بوده است. در زمان قاجار کفشگیری گاهاً به صورت هم‌زمان دارای ۳ مکتبخانه بوده است. مکتبخانه‌های میرزاعباس‌فامیلی، ملابی‌بی زال‌آقایی و ملاخدیجه که پذیرای دانش‌آموزان روستای کفشگیری و روستاهای اطراف بوده‌اند، پس از فوت آنان عملاً مکتبخانه‌ها تعطیل شدند. اما با شکل‌گیری مدرسه‌ی خاقانی در سال ۱۳۰۷، آموزش به روش نوین در روستای کفشگیری آغاز شد و بعدها با ساخت مدرسه در خطیرآباد، مدرسه‌ی روستای کفشگیری به این نقطه منتقل گردید. دانش‌آموزان دختر و پسر بیش از ۳۰ روستای منطقه‌ی سدن‌رستاق از جمله کفشگیری، سرکلاته، اسبومحله، نوچمن، شموشک‌سفلی و علیا، نامن، میاندره، خراب مسجد، مفیدآباد، گرچی محله، دنگلان، درودمحله، شاهده، مهترکلاته، یساقی، پیشین‌کلاته، کلامو (بین بالاجاده و میاندره)، نودیجه، تخرشی محله، حیدرآباد، کلاجان‌سادات و قاجار، چالکی، ورسن، کلو، یالو، سیدمیران، سدن، کلاسنگیان، بالاجاده و هاشم‌آباد در این مدرسه مشغول تحصیل بوده‌اند. هم‌چنین بزرگانی چون مرحوم محمدتقی‌بهار (ملک الشعرا) در سفر به گرگان، از این مدرسه بازدید کرده است.

با آغاز دهه‌ی ۱۳۴۰ دبستان دخترانه‌ی «آذرمیدخت» در کفشگیری شروع به کار کرد، براساس مندرجات کتاب «جغرافیا و جغرافیای تاریخی گرگان و دشت» تالیف اسداله معینی، این دبستان در سال تحصیلی ۴۴-۱۳۴۳ دارای ۳۳ دانش‌آموز دختر بوده است. پیش از انقلاب اسلامی نیز دبستان «برزویه طیب» در روستا دایر شد که بعدها نام آن به «دبستان شهدای کفشگیری» تغییر یافت. علاوه بر این مدرسه، مدارس راهنمایی پسرانه شهید



هاشمی نژاد، دبیرستان شهید مدرس و هم چنین مدارس راهنمایی دخترانه علامه طباطبایی و دبیرستان بصیرت از آموزشگاه‌های فعال روستا هستند. مؤسسه آموزشی غیرانتفاعی استرآباد هم از مراکز خصوصی فعال در آموزش این منطقه است.

نخستین کتابخانه‌ی کفشگیری در اوایل دهه‌ی ۱۳۴۰ با مجموعه‌ای از کتاب‌های نفیس و با ارزش اهدایی توسط اهالی روستا، در مسجدجامع دایر شد. هم چنین پیش از انقلاب کتابخانه دیگری در مسجد امام حسین (ع) دایر گردید که هم اکنون این دو کتابخانه در قالب یک مجموعه در مسجدجامع دایر است.

نتیجه‌ی این فعالیت‌های علمی و فرهنگی، پرورش ده‌ها و شاید صدها چهره‌ی علمی و فرهنگی است که امروزه جزو مفاخر علمی و فرهنگی روستای کفشگیری محسوب می‌شوند. چنان که امروزه شخصیت‌های فرهیخته‌ای که از این روستا برخاسته‌اند در سطوح منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی چهره‌هایی شناخته شده و تأثیرگذار هستند.

از چهره‌های برجسته‌ی علمی در سطح ملی و بین‌المللی روستای کفشگیری می‌توان به

پروفسور محمد رایج، فوق دکترای آب و منابع آب اشاره کرد که تحقیقات و مقالات علمی متعددی در مجامع معتبر علمی دنیا داشته است. هم چنین پروفسور نقی مؤمنی، دانش آموخته‌ی رشته زیست پزشکی از دانشکده علوم طبیعی دانشگاه لیناوس سوئد، از دیگر چهره‌های علمی این روستا است. یک



تیم پژوهشی پزشکی به سرپرستی دکتر مومنی موفق شد روش مطمئنی برای تشخیص قطعی اختلال اوتیسم ابداع نموده و با ساخت «کیت تشخیص اوتیسم» توانست تحول بزرگی در تشخیص و درمان این بیماری ایجاد کند.^۲ دکتر علی رایج کفشگیری، یکی دیگر از این چهره‌های علمی است که دکترای خود را از دانشگاه ایالتی می‌سی‌سی‌پی آمریکا در رشته مدیریت بازرگانی اخذ کرد و در طی ۲۵ سال فعالیت علمی، ده‌ها مقاله در ژورنال‌ها و مجلات معتبر جهان قلم نوشت. ایشان در اوایل انقلاب اسلامی، مترجمی نماینده ایران در سازمان ملل و دفتر حفاظت منافع ایران را برعهده داشت.

از دیگر چهره‌های علمی روستا، می‌توان به فرید کابلی (۱۳۵۴-۱۳۷۶) دانشجوی فرهیخته و نخبه‌ی ریاضی کشور اشاره نمود؛ او که در مقطع کارشناسی ارشد ریاضی دانشگاه صنعتی شریف تحصیل می‌کرد در سانحه‌ی تصادف دانشجویان این دانشگاه در بازگشت از بیست و دومین دوره مسابقات ریاضی دانشجویی که در دانشگاه شهید چمران اهواز برگزار شده بود، با شش تن از همگانش که اغلب از برگزیدگان المپیادهای ملی و بین‌المللی ریاضی بودند،

۲ - گزارش این دستاورد در مجله بین‌المللی و علمی نیچر بنام دکتر مومنی ثبت و منتشر شده است.

در اوج بالندگی و شکوفایی علمی، ناباورانه، جان باخت. علاوه بر این در حوزه‌های فرهنگی، ادبی، هنر، ورزش و... نیز چهره‌هایی - اعم از زن و مرد- از این روستا برخاسته‌اند.

انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ و شهدای کفشگیری

در جریان نهضت امام خمینی و در پی آن انقلاب شکوهمند اسلامی، کفشگیری یکی از روستاهای پیش رو و انقلابی بوده است. چنان که در راه پیروزی انقلاب اسلامی، یازده فرزند پاک روستا به درجه‌ی رفیع شهادت نایل شدند. شهید حسن شهریار، شهید علی درودی، شهید شعبان رویانی، شهید محمود رایج، شهید علی قره‌گزلی، شهید علیرضا مهاجر بادکوبه، شهید تقی لولایی، شهید علی کابلی، شهید علی اکبر رایج کفشگیری، شهید مسعود یونسی، شهید علی رایج کفشگیری یازده نفر شهید گران قدر روستا هستند.

تعزیه و تئاتر



در کنار آداب و رسوم کهن و آیین‌های بومی، اجرای تعزیه و تئاتر، بخشی از فعالیت‌های فرهنگی در این روستا بوده است. سابقه‌ی اجرای تعزیه در کفشگیری به دوران قاجار باز می‌گردد. کاظم خان شهریار از شعرا و تعزیه‌سرایان مشهور دوره‌ی قاجار بود که بنا به روایتی به واسطه‌ی

شیوایی بیان و سرودن اشعار نغز و فی‌البداهه در باب حماسه‌ی عاشورای حسینی، از جانب ناصرالدین شاه ملقب به «طوطی‌خان» گردید. طوطی‌خان از بانیان اجرای تعزیه در کفشگیری بوده است.

در دوره‌ی معاصر افرادی چون سیدجلال کریمی و آقا علی شهریار از بانیان اجرای این مراسم آیینی بودند. هم‌چنین افرادی چون شیخ مرتضی و غلامرضا شهرزی، رضا اسباب‌چین، میرزاعباس فامیلی، عبدالله رایج، حاج حسین نوری، عبدالجواد زال‌آقایی، علیجان شهریار، حبیب کابلی، رجب لولایی، علی مهاجربادکوبه، فرج‌اله هرندی و ... از جمله افرادی بودند که در اجرای آیین تعزیه نقش آفرینی می‌کردند. اما این مراسم که تا اوایل دهه‌ی ۱۳۷۰ در روستای کفشگیری برگزار می‌شد، رفته‌رفته با فوت دست‌اندرکاران آن، عملاً تعطیل شده و روبه فراموشی رفت.

از دیگر برنامه‌های متفاوت فرهنگی در روستا، اجرای تئاتر بود که توسط جمعی از جوانان روستا در مناسبت‌های آیینی و اعیاد انجام می‌شد. نخستین اجرای تئاتر در کفشگیری، نمایش «میثم تمار، سردار سردار» بود که در سال ۶۳ در روستای کفشگیری توسط جوانان روستا با

همکاری تنی چند از پیشکسوتان تئاتر گرگان انجام شد. به نظر می‌رسد تعاملات پیوسته‌ی جوانان علاقه‌مند با اهالی تئاتر شهرستان، موجب شد اجرای تئاتر تا سال ۷۶ ادامه داشته باشد. نمایش‌های «صدام در دام» و «بی گل گلی خنده هکن» از دیگر آثار موفق در سطح روستا و شهرستان بودند.

نهادهای فرهنگی پس از انقلاب اسلامی در کفشگیری

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ و بعد از انقلاب فرهنگی (۶۲-۱۳۵۹) شهید علی رایج تا اواسط دهه‌ی ۱۳۶۰ (زمان شهادت) نقش مهمی در اجرای برنامه‌های فرهنگی-آموزشی در روستا داشت. بعدها علی اصغر رایج، یکی دیگر از فرهنگیان روستا، نزدیک به دو دهه با تمرکز بر آموزش دانش‌آموزان اقدام به برگزاری برنامه‌های آموزشی در سطح روستا می‌نمود. تا این‌که از دهه‌ی ۱۳۸۰ به بعد برخی کانون‌های فرهنگی در روستای کفشگیری پایه‌گذاری شدند.

کانون فرهنگی هنری شهید بهشتی: این کانون که وابسته به مسجد جامع کفشگیری است، با رویکرد برگزاری کلاس‌های آموزشی و برپا داشتن مراسم ملی و مذهبی در سال ۱۳۸۲ تأسیس شد. کانون فرهنگی شهید بهشتی ضمن برگزاری دوره‌های آموزشی و جشن‌ها و برنامه‌های مناسبی از سال ۱۳۸۲ تاکنون فعالیت دارد. علاوه بر این می‌توان به نهادهایی چون هیئت ابوالفضل مسجد جامع، هیئت امام حسین (ع)، کانون محبان ۱۴ معصوم و کانون محبان حضرت فاطمه، به عنوان نهادهای فرهنگی روستا با زمینه‌ی فعالیت مذهبی اشاره کرد.

خانه جوان فرید کفشگیری

اولین نهاد مدنی در قالب سازمان مردم‌نهاد (NGO) در روستاهای غرب استان گلستان، که از سال ۱۳۸۱ توسط جوانان این روستا تأسیس شده و به طور رسمی آغاز به فعالیت کرد. این نهاد در سال ۱۳۹۱ در قالب مؤسسه فرهنگی به ثبت رسیده است. برگزاری دوره‌ها و کلاس‌های آموزشی، تحقیق و پژوهش، گردآوری اسناد و تاریخ شفاهی روستا و منطقه، توانمندسازی جامعه‌ی روستایی، فعالیت‌های زیست‌محیطی و گردشگری، انتشار نشریه روستایی دهکده، راه‌اندازی سایت، برگزاری نشست علمی با حضور اندیشمندان استانی و کشوری، برگزاری همایش و سمینار در سطح استان و شهرستان، تهیه‌ی امکانات جهت هوشمندسازی دبستان روستا، راه‌اندازی مرکز نیکوکاری، تشکیل کانون توسعه و ... بخش دیگری از فعالیت‌های این مجموعه‌ی فرهنگی بوده است. علاوه بر موارد مذکور، برگزاری روز حافظ، برپایی شب شعر با حضور شاعران روستایی غرب استان گلستان، تولید مقاله، برگزاری همایش گرامی داشت ۸۰ سال علم‌آموزی در دبستان خاقانی با عنوان «همکلاسی سلام»، برگزاری نخستین جشنواره‌ی وبلاگ‌نویسی با موضوع روستا در سطح کشور و ... بخش دیگری از فعالیت‌های خانه جوان فرید بوده است.